

به نام خدا

نمایشنامه ی روباه و خروس (۲)

بازیگران: (۶ نفر که می توان از تعداد کمتری هم استفاده کرد. قورباغه و گرگ و چوپان هر کدام می توانند نقش دونفر را هم بازی کنند)

خروس

روباه

ننه گلی

قورباغه

چوپان

گرگ

*

پرده اول: صحنه نمایش یک مزرعه است که لانه ی مرغها کنار آن قرار دارد. پنجره ی لانه باز است. خروس کنار پنجره نشسته، قاب عکسی که عکس مرغ و جوجه ها در آن است را روبروی خودش گذاشته و می خواند: (موبایلی هم به گردنش آویزان است)

قوقولی قوقو خروسم / خوش آواز و ملووم

یه کم دلم گرفته / مرغم از خونه رفته

رفته مهمونی مرغم / با جوجه های قشنگ

دلم واسه همه شون / شده خیلی خیلی تنگ

باید برم دنبالشون (نگاهی به موبایلش می کند و ادامه می دهد) چگونه زنگ بزنم بهشون؟

در اینجا ننه گلی در حالی که بسیار ناراحت به نظر می رسد، وارد صحنه می شود. (لباس زنان روستایی را به تن دارد، دامن بلند و جلیقه و روسری گلدار و چادری هم دور کمرش بسته) با ورود او خروس آوازش را قطع می کند و خطاب به ننه گلی می گوید:

سلام ننه گلی جون / ننه گلی مهربون

ننه گلی آهی می کشد و می گوید:

علیک سلام خروسم جون

خروس: چیه؟ چرا گرفته ای؟ / غمی داری، غصه داری؟

ننه گلی کنار خروس می نشیند و با گریه می گوید:

چی چی بگم خروس جان؟ / دلم تنگه خروس جان

پای اسبم تو جاده / خورده به سنگی گنده

نعل از سُمش جدا شد / توی جاده رها شد

روبا به اون دور و برا / واسه ی خودش می کرد صفا

نعل رو دید و زودی دوید/ به نعل اسب من رسید

نعل اسبمو برداشت / پیش خودش نگه داشت

گفت نعل اسب شانس میاره / دولت و اقبال میاره

گفتم که نعل مال منه / مالِ سُم اسب منه

نعل اسبو به من بده / این کار تو خیلی بده

گفت نمی خوام نمیدم / خودم بهش رسیدم

این نعل واسم شانس میاره / دولت و اقبال میاره

منم با چشم گریون / خسته و زار و نالون

افسار اسبو گرفتم / اونو به طویله بردم

بیچاره اسب لنگم! / اسب لنگِ قشنگم!

خروس با عصبانیت روی صحنه قدم می زند. دور و بر ننه گلی می چرخد و بعد با صدای بلند
وخشمناک خطاب به روباه می خواند:

قوقولی قوقو / روباه پُرو / دزد و فریبکار / روباه مکار/ الان میام سراغت / میشم موی دماغت /
تا نعلو پس نگیرم / از پیش تو نمیرم / ننه گلی بیچاره / اسبش که نعل نداره / حالا یه کم می لنگه /
از صُب تا شب بیکاره.

ننه گلی با تعجب به او نگاه می کند و می پرسد:

راس میگی تو خروسکم؟ / خروسک ملوسکم

می خوای نعلو بگیری / برای من بیاری؟/

کاشکی که پولی داشتم(کیسه یا کیف پولی را از جیب جلیقه اش بیرون می کشد و آن را می تکاند تا
نشان دهد خالی است)

پولم را برمی داشتم / می رفتم دم مغازه/ می خریدم نعل تازه

اما پولی ندارم / فقیرم و بیچاره م.

خروس سرش را بالا می گیرد و با اعتماد به نفس می گوید:

ننه گلی جون نیگام کن / نیگا به سر تا پام کن

می بینی چقد قشنگم؟ / خوشگل و رنگارنگم

منم خروس پُردل / نترس و شاد و زبل

دل بزرگی دارم / سر نترسی دارم

میرم روباه می بینم / نعل ازش می گیرم

خودم میشم یار تو / خدا نگهدار تو

راه می افتد و ننه گلی برایش دست تکان می دهد و می گوید:

خداحافظ خروسکم / خروسک ملوسکم

خروس از صحنه خارج می شود.

پرده دوم:

خروس کنار رودخانه ایستاده و به آب نگاه می کند. قورباغه ای جلوی او ظاهر می شود و با صدای بلند می خواند:

قور و قور و قور قورباغم / توی آب و مردابم

کنار آب می شینم / مگس هارو می گیرم

قورباغه زبون درازم / مگس میشه شکارم

قور و قور و قور می خونم / شینا رو خوب می دونم

قور و قور و قور زرنگم / می بینی سبزه رنگم؟

(جلوی خروس ورجه ورجه می کند)

خروس: آهای آهای قورقوری / حالت خوبه؟ چطوری؟

قورباغه با تمسخر جواب می دهد:

هاها هاها خروس بلا / کجا داری میری حالا؟

می خوای که از آب رد بشی؟/ بپایه وقتی خیس نشی

(چشمهایش را می بندد و قاه قاه می خندد)

خروس: قورباغه ی قُرُقُرو / حیوون چاق پررو
 چرا چشاتو می بندی؟ / میخوای به من بخندی؟
 فکر می کنی نمی دونم/ چه جوری از آب رد بشم؟
 قورباغه با تمسخر جواب می دهد:
 قور و قور و قور خروس جون / تو برو توی بیابون
 تویی که بال و پر داری/ کنار آب چیکار داری؟
 رودخونه خیلی آب داره / بزرگه پیچ و تاب داره
 باید شنا بلد باشی / بپری تو آب و رد بشی
 خروس کمی نرمش می کند و می گوید:
 صغری و کبری هی نچین / نگاه بکن منوبیین
 (با یک حرکت ناگهانی از جا می پرد و از عرض رودخانه عبور می کند و بعد ادامه می دهد)
 دویدم و دویدم / به رودخونه رسیدم
 دوتا چشممو بستم / از روی اون پریدم
 هیچ چیزی مانع نیست / نمره ی جرأتم بیست
 میرم روباهو ببینم/ نعل اسبو بگیرم
 قورباغه با تعجب و تحسین انگشت به دندان سرجایش می نشیند. خروس بلند بلند می خندد و به
 راهش ادامه می دهد و از صحنه خارج می شود.

پرده سوم:

چوپانی نشسته و به درختی تکیه داده و با گیتاری که در دست دارد آهنگ ملایمی می زند و می خواند:
 منم چوپون تنها / همیشه توی صحرا
 شدم من همنشین / این بره ها و بزها
 گلّه را می چروم / واسش آواز می خونم / لالا لالا لالا
 خروس آهسته جلو می رود و جلوی چوپان می ایستد. چوپان ساکت می شود خروس تعظیم می کند و
 می گوید:
 سلام به مرد چوپان / به آقای مهربان

چوپان خنده اش می گیرد و می گوید:

علیک سلام خروس جان/ خروسک خوشزبان

تو این ورا چه کار داری؟ / تنهایی داری کجا میری؟

خروس:

راستش آقای چوپان / ای آقای مهربان

میرم سراغ روباه / اون حیوون دل سیاه

یه نعل اسب دزدیده / روباه خیرندیده

چوپان: (با تعجب) نعل اسب دزدیده؟

خروس:

بله آقای چوپان / نعل اسب ننه گلی مهربان (روی اسم ننه گلی تأکید می کند)

ننه گلی بیچاره / اسبش که نعل نداره / دل تنگ و غصه داره / روباه نعلشو برده /

حق گلی را خورده/ گفته که نعل شانس میاره / دولت و اقبال میاره /

روباها با این خرافات / کارش شده مکافات.

چوپان:

حالا بیا یه کم بشین / خستگی هارو در بکن

می خوام برات ساز بزنم / تو گوش به ساز من بکن.

خروس کنار چوپان می نشیند و می گوید:

باشه عموجون مهربون / گوش می کنم با دل وجون

چوپان شروع به نواختن آهنگی شاد می کند. اما صدای زوزه ی گرگ بلند می شود. چوپان با وحشت از جا می پرد و می گوید:

خاک به سرم گرگ اومد / دشمن گله اومد

چه کنم چیکار کنم / گرگه را تار و مار کنم

چوبدستی اش را از روی زمین بر می دارد و آماده ی دفاع می شود. خروس با گردن افراشته کنارش می ایستد. صدای گرگ به گوش می رسد:

منم منم گرگ سیاه/ دشمن میش و بره ها

دندونای تیزی دارم / چنگالای تیزی دارم

می خوام یه گوسفند بگیرم / دلی از عزا دربیارم

خروس موبایلش را در دست گرفته و شماره می گیرد. گرگ وارد صحنه می شود و چوپان با چوبدستی جلوی او می ایستد. گرگ قاه قاه می خندد و می گوید:

گرگم و گله می برم

چوپان با عصبانیت جواب می دهد: من چوپونم نمیذارم

گرگ: من می برم خوب خوبشو

چوپان: من نمیدم پیشکشو

گرگ و گوسفند به سبک بازی گرگم و گله می برم با هم مبارزه می کنند. حرکاتشان خنده دار و ریتمیک است. در همان موقع خروس فریاد می زند:

گرگ سیاه پررو / زودباش از اینجا برو

هاپ هاپو خان تو راهه / دشمن گرگ سیاهه

گوش کن صداشو می شنوی؟ (دکمه موبایلش را فشار می دهد) صدای هاپ هاپ بلند و وحشتناکی از موبایل پخش می شود. گرگ کمی عقب می رود و به اطرافش نگاه می کند. صدا همچنان به گوش می رسد. گرگ ترسیده و چوپان با چوبدستی به سرش می کوبد. گرگ زوزه کشان فرار می کند. چوپان نفس راحتی می کشد و روی زمین می نشیند. خروس کنارش می ایستد و می گوید:

صدآفرین به چوپان / به آقای نگهبان

گرگو دیدی نترسیدی / وایسادی با اون جنگیدی

گرگو فراری دادی / حالا راحت و شادی

منم دیگه باید برم / نعل اسبه رو بیارم

چوپان برمی خیزد و با مهربانی به سرخروس دست می کشد و می گوید:

دست شما درد نکنه / خروسک ناز و قشنگ

کاشکی همیشه شاد باشی / دل تو هیچ وقت نشه تنگ

خدا نگهدارت باشه / همیشه یاورت باشه

خروس راه می افتد، دستی برای چوپان تکان می دهد و از صحنه خارج می شود.

پرده ی چهارم

روباه روی صحنه پشت به تماشاچیان نشسته و نعل اسب را درگردن دارد و با موبایلش صحبت می کند و مرتب می گوید:

الو الو صدا نمیاد / صدا نمیاد

خروس وارد می شود دور از او می ایستد و نگاهش می کند و ناگهان شروع به خواندن می کند:

الو الو صدا میاد / صدا میاد

روباه وحشتزده برمی گردد و می گوید:

اینجا چکار داری تو؟ / بگو با کی کار داری تو؟

خروس بالها را به هم می زند و می گوید:

می دونی چرا من اینجام؟ / این نعل اسبو میخوام (به نعل اشاره می کند)

روباه به نعل نگاه می کند و فریاد می زند:

چی می گی تو خروسک؟ / ای خروس وروجک

این نعل واسم شانس میاره / دولت و اقبال میاره / من اونو پس نمیدم / نمیدم و نمیدم.

خروس:

اگر تو نعلو پس ندی / منم همین جا می مونم

از صُب تا شب تو گوش تو / هی می خونم / هی می خونم

و شروع به خواندن می کند:

قوقولی قوقو / روباه پررو / روباه مکار / دزد و فریبکار

قوقولی قوقو / تو خیلی بدی / این نعل اسبو / باید پس بدی

قوقولی قوقو / نعل مال تو نیست / روباه مکار / زود نعلو از اون / گردنت درآر.

روباه دستهایش را روی گوشهایش می گذارد و می گوید:

کورخوندی تو / ای خروس / خروسک لوس لوس

نعل مال منه / پیش نمیدم / اونو به دست / هیچ کس نمیدم.

خروس باز هم فریاد می زند:

اگه پس ندی / اینجا می مونم / تا صبح فردا / آواز می خونم

اونقد می خونم / تا گیج بشی / شکل یه دونه / هویج بشی / قوقولی قوقو / .

روباه:

هرکار بکنی / پس نمیدم / نعلو به دستت نمیدم.

خروس با صدای بلندتر آواز می خواند:

قوقولی قوقو / قوقولی قوقو / روباه مکار / روباه مکار /

روباه تنبل / روباه بیکار / نعلو دزدیدی / وای به حالت /

کاشکی یه هاپو / بیاد سراغت / قوقولی قوقو /

روباه با عصبانیت از جا می پرد. گوشه‌هایش را می گیرد و فریاد می زند:

بسه دیگه قوقولی نکن / اینقده منو / خون به دل نکن

چرا میگی من / روباه بدم؟ / چرا من باید / نعلو پس بدم؟

خروس دوباره می خواند:

قوقولی قوقو / نعل مال تو نیست / قوقولی قوقو / نعل مال تو نیست /

روباه فریاد می کشد:

ایست ایست خروس بلا / بسه دیگه نکن صدا / اینقده نگو قوقولی قوقو

(نعل را از گردنش درمی آورد و جلوی خروس می اندازد)

بیا بگیرش / این نعل مال تو / اینقده نگو قوقولی قوقو

نه شانس آورد نه اقبال / نه منو کرده خوشحال /

تو اومدی سراغم / شدی موی دماغم /

بردار برو ای بلا / خروسک ناقلا / دیگه نیا سراغم / نشو موی دماغم.

خروس دوباره می خواند: قوقولی قوقو

روباه با خشم از صحنه خارج می شود. خروس نعل را برمی دارد و با شادمانی می خندد و راه می افتد. در راه می خواند:

من خیلی شادم / دارم می خندم

راه غم هارو / دارم می بندم

روباه فرار کرد / رفت توی لونه ش

حالا می خوابه / تو آشپونه ش

حریفم نشد / روباه مگار
دیگه ندارم / با روباهه کار
میرم به خونه / با شادمانی
سراغ ننه / گلی مامانی
حتماً شاد میشه / ننه گلی جون
برام می خنده / ننه مهربون

پرده آخر:

ننه گلی با حالتی منتظرو چشم به راه توی مزرعه ایستاده است. خروس نعل به دست وارد می شود.
ننه گلی از جا می پرد و به سویش می رود و او را بغل می کند و می بوسد.

خروس: سلام سلام ننه گلی جون / ننه گلی جون مهربون /

همون جوری که گفتم / نعل اسبو گرفتم /

روباهو از رو بردم / نعلو برات آوردم.

ننه گلی خروس را نوازش می کند و می گوید:

سلام به تو خروسکم / عروسکم ملوسکم

نعلو گرفتی جونم / من قدر تو می دونم

تو پُردل و زرنگی / خروسک قشنگی

خسته نباشی گلکم / خروسک ملوسکم.

خروس با خوشحالی می گوید:

روباهه وقتی منو دید / از من حسابی ترسید

گفت بیا نعلو بردار / برو منو راحت بذار

دیگه نیا سراغم / نشو موی دماغم

منم نعلو آوردم / به دست تو سپردم (نعل را در دست ننه گلی می گذارد)

تا اسبتو نعل بکنی / آماده ی کار بکنی.

ننه گلی نعل را در دست می گیرد، خروس را می بوسد و می گوید:

الهی خیر ببینی / خروسک قشنگم

ممنونتم عزیزم / خروسک زرنگم

میرم که کاری بکنم / اسبمو یاری بکنم. (راه می افتد و می رود و برای خروس دست تکان می دهد)
خروس: (بالش را برای او تکان می دهد و می خواند)

قوقولی قوقو / قوقولی قوقو /

ننه گلیجون / میره سر کار / شکر خدا که / نمونده بیکار / اونچه را می خواست / واسش آوردم /
خنده را روی / لیش آوردم / هیچ نعل اسبی / شانس نمیاره / شانسی نداره / هر کی بیکاره /
قوقولی قوقو / زبر و زرنگم / خروس نازم / خیلی قشنگم / صبح سحر من / می خونم آواز /
تا خواب نمونی / چشات بشن باز / وقتی که خورشید / تو آسمونه / آدم زرنگ / خواب نمی مونه /
با نام خدا / از جاش پامیشه / می کنه ورزش / سرحال میشه / صبحونه خوردن / کار بعدیشه / وقتی
که سیرشد / کار شروع میشه / آدم زرنگ / کارو دوس داره / کار واسه ی اون / شادی میاره /
قوقولی قوقو / قوقولی قوقو /
بعد ساکت می شود و قاب عکس مرغ و جوجه ها را برمی دارد و نگاه می کند و می بوسد و می
خواند:

یه مرغی دارم / یه مرغ قشنگ / با جوجه های / خوشگل و زرنگ / چند روزه رفتن /
اونها به سفر / یه سفر خوب / امن و بی خطر / دلم چه تنگه / حالا براشون / می خوام برم من /
به دنبالشون / بیارمشون / اینجا تو لونه / پیشم بمونن / تو آشیونه / دوستشون دارم / اینو میدونن /
ترانه ی شاد / واسم می خونن.
قاب عکس را سرجایش می گذارد و خطاب به تماشاچی ها می گوید:

من رفتم ای بچه ها / سراغ مرغ و جوجه ها

دستش را به نشانه خداحافظی تکان می دهد و می گوید:

قوقولی قوقو / خدانگهدار

ای بچه های عاقل و هشیار.

موبایلش زنگ می زند و او همانطور که از صحنه خارج می شود می گوید:

الو الو عزیزم / مرغک نازنینم / دارم میام دارم میام و نمایش به پایان می رسد.

پایان

نویسنده: مهری طهماسبی دهکردی ۹۴/۸/۷

